

فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان

سال هفتم شماره ی بیست و دوم بهار ۱۳۹۴ (صص ۱۵۴-۱۳۵)

نقد و بررسی تشبیه در مثنوی اسرار خودی اقبال لاهوری

دکتر عباس نیکبخت*

محمد انصاری پویا**

چکیده :

اقبال در مثنوی اسرار خودی، از عناصر بیانی مختلفی، بخصوص تشبیه، برای بیان اندیشه‌ها و مفاهیم و معانی اندرزگونه ی خود بهره جسته است. این جستار بر آن است تا از طریق استفاده از جامعه آماری، ساختارهای تشبیهی موجود در اسرار خودی اقبال را مشخص و انواع تشبیهات و عناصر تشکیل دهنده ی آن‌ها را باز نماید. مبنای این مقاله از جهت ساختاری بر اساس معرفی و تحلیل انواع تشبیهات از جهت عناصر و مواد بکار رفته، حسی و عقلی بودن طرفین، فشردگی و گستردگی ساختار تشبیهات، مفرد و مرکب بودن طرفین، شکل و وجه شبه در اسرار خودی، استوار گردیده و روش کار بر پایه ی توصیف و تحلیل داده‌ها، از دیدگاه اسلوب‌های بلاغت است. ضمن اینکه در پایان، بر اساس جداول آماری، جایگاه انواع تشبیه در اسرار خودی اقبال نشان داده شده است. با انجام این پژوهش در می‌یابیم که تشبیه در اسرار خودی از عناصر بیانی مهم برای بیان اندیشه‌های اقبال بوده و در اشکال مختلفی به کار رفته است.

واژگان کلیدی: اقبال لاهوری، اسرار خودی، تشبیه، ساختار.

* Email: Nikbakht_a@lihu.usb.ac.ir استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان

** Email: ma347604@gmail.com دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

تاریخ پذیرش: ۹۴/۲/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۳/۳/۳

مقدمه

علامه محمد اقبال لاهوری (۱۸۷۳-۱۹۳۸) شاعر بیدار دل و اندیشمند آگاه و توانای جامعه بشری در جهان معاصر می‌باشد. مثنوی اسرار خودی یکی از چهارده دفتر از کلیات اشعار وی و بیانگر بخشی از نگاه عارفانه او به انسان و جهان است. «اسرار خودی مهمترین مثنوی فکری و فلسفی اقبال است که در آن به طرح دستگاه فکری خود در باب انسان، جامعه و جهان پرداخته است. تمام اندیشه خودی اقبال در این کتاب جلوه گراست (محبوبی، ۱۳۷۹: ۱۸۱) در این کتاب در کنار افکار و اندیشه‌های بیدارگر، نگاه نوجوی وی با تکیه بر ابزار تخیل، موفق به کشف روابط و شباهت‌هایی میان عناصر و اشیاء و حتی مفاهیم ذهنی شده است که این روابط و شباهت‌ها در عالم واقع وجود ندارد و چشم دیگران از دیدن این روابط عاجز است. «سقراط و افلاطون و به تبع ایشان ارسطو، ماده شعر و کل هنر را محاکات (شبیه سازی، مانند سازی) می‌دانستند (شمیسا، ۱۳۸۷: ۴۵).

۱- بیان مسئله و سوالات تحقیق

تشبیه به عنوان یکی از فنون و ابزارهای بیانی، پایه‌ی شکل‌گیری بسیاری از اشعار است. از میان مباحث علم بیان، تشبیه، برجستگی ویژه‌ای دارد؛ زیرا اساس شکل‌گیری استعاره نیز تشبیه است. شاعر از طریق این فن با طبیعت و ماورای آن ارتباط برقرار می‌کند و از طریق محاکات آنها را به خدمت می‌گیرد و ساختار ذهنی خود را با آنها شکل می‌دهد. تحقیق حاضر در راستای بحث پیرامون این عنصر بلاغی و شاعرانه در اسرار خودی اقبال لاهوری صورت می‌گیرد. این تحقیق که به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام می‌گیرد، بر آن است تا از طریق استفاده از جامعه آماری، ساختارهای تشبیهی موجود در اسرار خودی اقبال را مشخص و انواع تشبیهات و عناصر تشکیل‌دهنده‌ی آنها را باز نماید. سوالاتی که در این تحقیق مطرح است، به این قرار است:

- ۱) انواع عناصر و مواد تشبیه در اسرار خودی اقبال لاهوری کدام‌اند؟
- ۲) ساختار و بسامد تشبیه در اسرار خودی اقبال لاهوری چگونه است؟

۳) آیا در تشبیهات اقبال باتوجه به اهداف روشنگرانه ی او ابداع و ابتکار مشاهده می‌شود؟

۲- اهداف تحقیق

- انواع عناصر و مواد تشبیه در اسرار خودی اقبال لاهوری تعیین می‌شوند.
- انواع و اشکال تشبیه نشان داده می‌شود.
- تازگی و ابداع در تشبیه بامعرفی تشبیهات نو نشان داده می‌شود.

۳- روش تحقیق

در این پژوهش که به شیوه توصیفی و تحلیلی انجام می‌گیرد، ابتدا تشبیهات اسرار خودی اقبال لاهوری مشخص شده، سپس این تشبیهات از لحاظ عناصر و مواد، انواع، اشکال، تازگی، و وجه شبه و ساختمان طرفین بررسی می‌شود و در پایان با مشخص نمودن بسامد آماری نتیجه موردنظر ارائه خواهد شد.

۴- پیشینه ی تحقیق

ادیبی (۱۳۷۵)، در پایان نامه خود با عنوان بیدادگری در شعر اقبال لاهوری " ثابت کرده است که اقبال در حیطه شعر فارسی و هنر ادبی محض نیست بلکه اقبال شعر را در راستای اهداف اصلاح طلبانه و بیدارگری خود قرار داده و نگاه او به شعر سطحی نگرانه نبود، بلکه کاملاً آگاه و از روی معرفت بوده است. رادفر (۱۳۸۹)، در مقاله خود با عنوان جایگاه اقبال لاهوری در حوزه ادبیات تطبیقی و تأثر او از شاعران فارسی‌زبان تا عصر حاضر نشان می‌دهد که اقبال با بهره‌گیری از تعالیم اسلامی و مضامین عرفانی، فلسفی و اخلاقی شرق به ویژه ایران‌زمین مضمون‌های تازه و افکار بدیعی را در آثار خود بیان کرده است و نشان می‌دهد که شعر اقبال بازتاب اندیشه این شاعران و متفکران است. لذا باتوجه به این که در زمینه‌ی تشبیه در اسرار خودی، تاکنون تحقیق مستقلی انجام نشده و اقبال لاهوری در تصویرگری‌ها و بیان افکار و اندیشه‌های خود از تشبیه بهره ی فراوانی برده است، انجام این پژوهش ضرورت دارد.

۵- تشبیه

تشبیه یکی از مقوله‌های مهم علم بیان و از عناصر اصلی تصویرگری و «مشارکت د و چیز در وصفی از اوصاف توسط الفاظ مخصوص است (رجایی، ۱۳۷۲: ۲۴۴). ماندگی یا تشبیه، ماندکردن چیزی است یا کسی به چیزی یا کسی دیگر، بر بنیاد پیوندی که به پندار شاعرانه، در میان آن دو می‌توان یافت (کزازی، ۱۳۷۵: ۴۱). نیز، ر.ک ترجمان البلاغه (رادویانی، ۱۳۶۲: ۴۹)، معیارجمالی و مفتاح ابواسحاقی (فخری اصفهانی، ۱۳۸۹: ۲۷۹)، آیین سخن (صفا، ۱۳۶۳: ۴۹)، فنون بلاغت و صناعات ادبی (همایی، ۱۳۸۹: ۱۵۱) همچنین، رشید و طواط در کتاب "حدائق السحر فی دقائق الشعر"، تشبیه را چنین تعریف می‌کند: «این صفت چنان بود که دبیر یا شاعر چیزی را به چیزی ماندکند در صفتی از صفات» (وطواط، ۱۳۶۲: ۴۲) درحقیقت، تشبیه است که با آن پنهان‌ترین و پیچیده‌ترین کلام به واضح‌ترین بیان تبدیل و نزدیک می‌شود. در کتاب المثل السائر آمده است که: تشبیه سه ویژگی مبالغه، تبیین و روشنگری و ایجاز را در یک‌جا جمع می‌کند (فاضلی، ۱۳۷۶: ۱۴۹؛ ابن اثیر، ۱۹۶۲م: ۲-۱۲۳) تلاش اندیشمندان اسلامی در فهم جنبه‌های اعجاز قرآن مجید، موجب اهمیت پیدا کردن علوم بلاغی، به‌ویژه عناصر بیانی همچون تشبیه گردید. جاحظ (ف ۲۵۵هـ) در تعریف تشبیه می‌گوید: «هو الدلالة علی مشارکه الامر لآخر فی معنی» (زکی صباغ، ۱۹۹۸: ۲۴۷) تعریفی که در دوره‌های بعد بسیاری از علمای بلاغت، از جمله: قدامه ابن جعفر (ف ۳۷۷هـ) در "نقد الشعر" (قدامه ابن جعفر، بی: ۱۲۴)، ابو هلال عسکری (ف ۳۹۵هـ) در "الصناعتین" (عسکری، ۱۳۷۲: ۱۶)، قیروانی (ف ۴۶۳هـ) در "العمده" (قیروانی، ۱۹۲۵، ج ۱: ۱۹۴)، تفتازانی (ف ۷۲۹هـ) در "شرح المختصر" (تفتازانی، ۱۳۵۶: ۸)، و دیگران، یا همان راتکرار کرده و یا بر آن تاکید ورزیده‌اند. عبدالقاهر جرجانی (ف ۴۷۴هـ) در اهمیت تشبیه و دیگر صور خیال می‌گوید که: «نخستین و شایسته‌ترین چیزی که باید در آن به طور کامل اندیشیده و دقت شود، بررسی درباره ی تشبیه و استعاره است (جرجانی، ۱۳۶۱: ۱۶).

۶- عناصر و مواد تشبیه در اسرارخودی اقبال لاهوری: بررسی تشبیه در اسرارخودی

اقبال بیانگر آن است که تشبیهات شعر او از نظر موضوع، بسیار گسترده و متنوعند. وی از عناصر مختلفی برای خلق تصاویر شاعرانه بهره برده که برخی از آنها عبارتند از: انسان، طبیعت، جانداران، اشیاء، عناصر دینی و مذهبی که در ذیل به طبقه بندی و بررسی جداگانه ی هریک پرداخته‌ایم. آنچه مسلم است بررسی این عناصر در شعر هر شاعر، ما را به درک بهتر جهان بینی و شخصیت وی، نائل می‌سازد.

۶- ۱. انسان و متعلقات وی: نگاه خاص به انسان و جایگاه ویژه ی او در جهان بینی

اقبال، یکی از مسائل مهم در اسرار خودی است که در شیوه بیان حقایق انسانی مؤثر بوده است و در بسیاری از ابیات به خوبی خود را نشان می‌دهد:

انسان (مخاطب) به طایر / مشبه

پَر زَن و از جذبِ خاک آزاد باش همچو طایر ایمن از افتاد باش (اقبال، ۱۳۹۰: ۶۲)

مشبه‌به / تشبیه حکمت به ساقی

مدتی مینای او در خون نشست ساقی حکمت به جامش می، نسبت (همان: ۶۳)

۶- ۲. عناصر انتزاعی: عنصر انتزاعی به مفهومی ذهنی اطلاق می‌شود. یعنی آنچه که به

ذهن مرتبط است و از جهان ملموس و مادی به دور. شاعران در ادوار مختلف ادب فارسی، به کاربرد مفاهیم انتزاعی در شعر خود روی آوردند تا بر دایره ی مضامین شعر خود بیفزایند. در ساختار شعر اقبال، بسیاری از عناصر انتزاعی در هیأت تشبیه نقش آفرینند. علت توجه زیاد اقبال به عناصر انتزاعی در رکن مشبه، آنست که وی در این اثر، در پی تبیین بسیاری از آموزه‌های شرعی و اعتقادی و عرفانی - تعلیمی، است؛ از این جهت نیاز است که امور معقول را که مربوط به عالم غیب و مجردات هستند، از راه مانند کردن به امری محسوس که از جهاتی مشابه آن امر معقول است، به ذهن شنونده و فهم و ادراک او نزدیک‌تر کند.

مشبه / تشبیه طلب به بیابان

هرچه باشد خوب و زیبا و جمیل در بیابان طلب ما را دلیل (همان: ۳۵)

مشبه‌به / تشبیه مشبه مضمَر «خودی و شخصیت» به جان عالم

ای چو جان اندر وجودِ عالمی جان ما باشی و از ما می‌رمی؟ (همان: ۷۱)

مخاطب نمونه فوق «خودی» و شخصیت است که به انسان زندگی و ابرو و عظمت می‌بخشد و با تعبیر اقبال لاهوری، خودی یعنی: وجود، و وجود یعنی: عالم بود و نمود.

۳-۶. عناصر طبیعی: براساس جدول شماره ی (۱)، عناصر و مواد طبیعت در اسرار خودی اقبال، بیشترین بسامد کاربرد را در رکن مشبه‌به دارند:

مشبه / تشبیه آتش به لاله - شعله به ژاله

آتشی دارد مثال لاله، سرد شعله‌ای دارد مثال ژاله، سرد (همان: ۶۸)

مشبه‌به / تشبیه غم‌ها به قُلزُم (دریا)

گفت با خود، عقده ی ما مشکل است قُلزُم غم‌های ما بی ساحل است (همان: ۴۹)

۴-۶. اشیاء: در اسرار خودی اقبال، اشیاء مختلفی مواد و عناصر تشبیه را تشکیل می‌دهند که بیشتر در رکن مشبه‌به حضور دارند. در این ساختار، معمولاً یک طرف تشبیه را عناصر طبیعی، عناصر انتزاعی و اوصاف انسانی و طرف دیگر را اشیاء تشکیل می‌دهند:

مشبه / تشبیه شمع به اشک

خودگذازی پیشه کرد از خود رمید همچو اشک آخر ز چشم خود چکید (همان: ۴۲)

مشبه‌به / تشبیه آرزو به کمند

آرزو، صید مقاصد را، کمند دفتر افعال را شیرازه بند (همان: ۳۹)

۵-۶. حیوانات و پرندگان: یکی دیگر از عناصر و مواد تشبیهات اقبال در اسرارخودی، حیوانات می‌باشند، که نقطه آغازین آن با الهام از آیه قرآن کریم است که مردم را به تأمل و درنگ در آیات الهی فرا می‌خواند «افلا ينظرون الى الابل كيف خلقت» (سوره غاشیه، آیه: ۱۷)

مشبه / تشبیه شتر به زورق (کشتی)

خدمت و محنت شعار اُشتر است صبر و استقلال کار اُشتر است

گام او در راه کم غوغاستی کاروان را زورق صحراستی (همان: ۵۴)

مشبه به / تشبیه انسان (مخاطب) به بلبل

مثل بلبل، ذوق و شیون تا کجا؟ در چمن زاران، نشیمن تا کجا؟ (همان: ۵۴)

۶-۶. عناصر دینی: کثرت شگفتی برانگیز مفاهیم دینی و قرآنی در مثنوی اسرار خودی علامه اقبال لاهوری، حکایت از احاطه و اشراف کم نظیر اقبال بر دین، قرآن و مضامین آن دارد. اسرارخودی گذشته از آنکه فضای فکریش، قرآنی است و تمرکز در بیداری مسلمانان همراه با تعلیم بسیاری از آموزه های دینی و اسلامی دارد، در جزئیات خود نیز کمتر از مفاهیم و اندیشه های قرآنی و دینی فاصله می‌گیرد. این مفاهیم و معانی چنان در جای جای اسرارخودی اقبال موج می‌زنند که کمتر صفحه ای از آن را می‌توان یافت که خالی از اندیشه‌های قرآنی باشد:

مشبه / تشبیه لاله (لاله الله) به صدف - نماز به گوهر - نماز به حج اکبر

لا اله باشد صدف گوهر، نماز قلب مسلم را حج اکبر، نماز (همان: ۵۵)

مشبه به / تشبیه ادراک به حضرت موسی (ع)

طاقت پروازبخشد خاک را خضر باشد موسی ادراک را (همان: ۱۹)

۶- عناصر گفتار و نوشتار: مشبه / تشبیه سخن به جنس (کالا)

قیمت جنس سخن بالا کنم آب چشم خویش در کالا کنم (همان: ۳۹)

مشبه‌به / تشبیه افعال به دفتر

آرزو، صید مقاصد را، کمند دفتر افعال را شیرازه بند (همان: ۴۳)

۷. تقسیم تشبیه بر اساس حسی یا عقلی بودن طرفین

۷-۱. مشبه عقلی و مشبه‌به حسی: در این نوع که مشبه، معقول و مشبه به، محسوس است. غالباً اقبال کوشیده است که امری معقول اعم از حالات عاطفی، خوی و خصلت‌های اخلاقی، مفهومی معقول یا امور مربوط به عالم غیب و مجردات را از راه مانند کردن آن به امر محسوس که از جهت یا جهاتی مشابه آن امر معقول است، به ذهن شنونده و فهم و درک او نزدیک نماید، در حقیقت این جنبه از تشبیه یکی از جنبه‌های هنری و زیبایی تشبیه است و «تصویر، آنگاه جنبه هنری پیدا می‌کند که امر معقولی را به محسوسی پیوند دهند (کروچه، ۱۳۴۴: ۷۹) شواهدی از این نوع تصاویر:

مرد چون شمع خودی اندر وجود انسانی است
از خیال آسمان پیمای چه سود؟

(اقبال، ۱۳۹۰: ۵۷)

۷-۲. مشبه و مشبه‌به هر دو حسی

من که این شب را چو مه آراستم
گرد پای ملت بیضاستم

(همان: ۶۳)

۷-۳. مشبه عقلی و مشبه‌به عقلی

هر که حق باشد چو جان اندر تنش خَم نگرده پیش باطل گردش

(همان: ۶۸)

۷-۴. مشبه حسی و مشبه‌به عقلی

نایب حق همچو جان عالم است هستی او ظل اسم اعظم است

(همان: ۷۰)

۸ - تقسیم تشبیه بر حسب فشردگی یا گسترده‌گی ساختار آن: به طور کلی «تشبیه را از نظر صورت بیانی می‌توان در دو صورت گسترده و فشرده خلاصه کرد. منظور از تشبیهات فشرده، تشبیهاتی است که با افزودن دو طرف تشبیه (مشبه و مشبه‌به) به صورت یک ترکیب اضافی در می‌آید. تشبیه گسترده تشبیه‌ی است که به صورت ترکیب اضافی بیان نشده باشد و ممکن است که هر چهار رکن تشبیه یعنی، مشبه و مشبه‌به، وجه‌شبه و ادات تشبیه ذکر شده باشند و یا ممکن است که وجه‌شبه و یا ادات تشبیه و یا هر دو حذف شده باشند (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۲۱۴) به هر حال تشبیه فشرده به جهت کوتاهی و فشردگی ساختار و حذف وجه شبه و ادات تشبیه در آن از بلاغت و تأثیر بیشتری نسبت به تشبیه گسترده برخوردار است، از این رو به این ساختار، تشبیه بلیغ گفته می‌شود (میرصادقی، ۱۳۷۳: ۶۹-۸۳)

خیز و در جامم شراب ناب ریز بر شبِ اندیشه‌ام، مهتاب ریز (اقبال، ۱۳۹۰: ۳۹)

این امانت باز گیر از سینه‌ام خارِ جوهر بر کش از آئینه‌ام (همان: ۷۰)

۸ - ۲. تشبیه گسترده: در این نوع تشبیه، علاوه بر مشبه و مشبه‌به، ارکان دیگر، یعنی وجه شبه و ادات و یا هر دو با هم بکار می‌روند، که از این جهت به دسته‌های ذیل تقسیم می‌شوند:

۸-۲-۱. تشبیه مفصل: در این نوع تشبیه هر چهار رکن تشبیه حضور دارند و جایگاه چندانی برای مخاطب و مشارکت وی در شعر باقی نمی‌ماند و این همان ساختاری است که "بارت" آن را "خواندنی" تعبیر می‌کند: «این متن در جریانی خواندنی، خواننده را به سوی معنا رهنمون می‌سازد. "خواندنی" نامیده شدن چنین متنی به معنی برجسته ساختن شیوه‌ای است که خواننده‌اش از آن طریق در موضوع یک دریافت کننده نسبتاً منفعل است» (گراهام، ۱۳۸۰: ۱۱۴)

قلزم یاران چو شبنم، بی خروش
شبنم من مثل یم طوفان به دوش

(اقبال، ۱۳۹۰: ۴۲)

نکنه‌ای می‌گویمت روشن، چو دُر
تاشناسی قیمت عبد و خُر

(همان: ۶۹)

۸-۲-۲. تشبیه مجمل: در اصطلاح علم بیان، تشبیهی که وجه شبه نداشته باشد، تشبیه مجمل نامیده می‌شود:

مست چشم ساقی بطحاستیم
در جهان مثل می و میناستیم

(همان: ۲۴)

هر که حق باشد چو جان اندر تنش
خم نگیرد پیش باطل گردنش

(همان: ۴۳)

۸- ۲- ۳. تشبیه مؤکد: به تشبیهی که ادات تشبیه در آن ذکر نشده باشد:

بس که عودِ فطرتم نادر نواست هم نشین از نغمه‌ام نا آشناست (همان: ۴۱)

۹- انواع تشبیه به اعتبار مفرد، مقید یا مرکب بودن طرفین تشبیه: طرفین تشبیه بر حسب افراد و ترکیب ممکن است فرق داشته باشند و از این نظر هر تشبیه به اقسام مختلفی چون مفرد، مقید و مرکب، تقسیم می شود «در تشبیه مفرد، تصور و تصویر یک هیأت یا یک چیز است مثل: گل، جام، دزد. در تشبیه مقید، تصویر و تصور مفردی است که مقید به قیدی باشد، مثل: جام بلورین، کشتی سرنگون، که مقید به قید صفتند. در تشبیه مرکب، مقصود از مرکب لزوماً یک جمله یا عبارت یا مجموعه چندواژه نیست، بلکه مرکب از یک هیأت انضمامی است و به قول قدما، مرکب: هیأت منتزع از چندواژه است.» (شمیسا، ۱۳۷۳: ۷۱) در تشبیهات اقبال، پرکاربردترین نوع تشبیه، مفرد به مفرد است، یعنی تشبیهی که مشبه و مشبه‌به، هر دو از نوع مفردند و بالعکس، تشبیهات مرکب در اسرارخودی اقبال لاهوری بسامد کمتری دارند:

۹- ۱. تشبیه مفرد به مفرد

ای که مثل گل ز گل بالیده‌ای تو هم از بطن خودی زائیده‌ای

(اقبال، ۱۳۹۰: ۶۲)

۹- ۲. تشبیه مفرد به مقید

صورت برقی که بر کهسار ریخت شیخ، سیل آتش از گفتار ریخت

(همان: ۴۹)

۹- ۳. تشبیه مقید به مفرد

زیرگردون آن جوان ارجمند می‌رود مثل صنوبر سربلند

(همان: ۵۷)

۹-۴. تشبیه مقید به مقید

نایب حق همچو جانِ عالم است هستی او ظل اسم اعظم است

(همان: ۶۴)

۹-۵. تشبیه مرکب به مرکب

فکر روشن بین عمل را رهبر است چون درخش برق پیش از تندر است

(همان: ۴۰)

۱۰-۱. انواع تشبیه به لحاظ شکل

۱۰-۱، تشبیه تسویه: تشبیه تسویه: «که آنرا تشبیه مزدوج نیز گویند، و آن اینست که مشبه متعدد و مشبه به یکی باشد، یعنی چند چیز را به یک چیز مانند کنند.» (همایی، ۱۳۷۳: ۱۵۵)

مثل انجم، روی تو هم خوی تو جلوه‌ها خیزد از هر پهلوی تو

(اقبال، ۱۳۹۰: ۵۵)

۱۰-۲، تشبیه جمع: تشبیه جمع «عکس تشبیه تسویه است؛ یعنی یک چیز را به چند

چیز مانند کرده باشند» (همایی: ۱۳۷۳: ۱۵۶)

مقصودی مثل سحر، تابنده‌ای ماسوی را آتش سوزنده‌ای

(اقبال، ۱۳۹۰: ۴۱)

۱۰-۳، تشبیه مفروق: تشبیه مفروق «آنست که طرفین تشبیه، متعدد باشد اما هر مشبیه را پهلوی مشبه‌به خودش بیاورند» (همایی: ۱۳۷۳: ۱۵۵)

زندگی، کشت است و حاصل، قوت است شرح رمز حق و باطل، قوت است

(اقبال، ۱۳۹۰: ۵۹)

۱۰-۴، تشبیه مضمّر: تشبیه مضمّر: «به معنی تشبیه پنهان است. در این نوع تشبیه ظاهراً با ساختار تشبیهی مواجه نیستیم ولی مقصود گوینده تشبیه است.» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۴۹)

نغمه‌ی من از جهان دیگر است این جرس را کاروان دیگر است

(اقبال، ۱۳۹۰: ۶۰)

۱۰-۵، تشبیه تفضیل: تشبیه تفضیل، «آن است که شاعر بعد از تشبیه چیزی به چیزی، وجه تفضیل و برتری و ترجیح مشبه را بر مشبه‌به پیدا کند.» (تاج الحلاوی، ۱۳۸۳: ۳۹)

خاک من روشن تراز جام جم است محرم از نازدهای عالم است

(اقبال، ۱۳۹۰: ۶۹)

۱۱. تشبیهات نو و ابتکاری در اسرارخودی اقبال لاهوری: در اسرارخودی مولانا اقبال لاهوری تشبیهات تازه و نو مشاهده می‌شود که جنبه ابتکار و نوآوری دارند. از مجموع ۲۵۲ مورد از تشبیهات اسرارخودی، در ۲۱ مورد از تشبیهات تازگی و ابتکار مشاهده می‌شود که ۸/۳۳ درصد از مجموع تشبیهات را شامل می‌شود. چنین تشبیهاتی، مؤید نوآوری و ابتکار اقبال در تشبیه سازی است. به چند مورد از این تشبیهات اشاره می‌شود: تشبیه هوس به لات و عزای

محکم از حق شو سوی خود گام زن لات و عزای هوس را سرشکن (همان: ۴۶)

تشبیه بت‌ها به خاشاک

آنکه خاشاکِ بتان از کعبه رُفت مردِ کاسب را حبیب‌الله گفت (همان: ۴۶)

تشبیه لطفِ غیر به برق

خویش را از برقِ لطفِ غیر سوخت با پیشیزی مایه ی غیرت فروخت (همان: ۴۷)

تشبیه انکسار به ردا

گاه او را رحم و نرمی پرده دار گاه می‌پوشد ردای انکسار (همان: ۵۹)

۱۲. وجه شبهه در اسرار خودی اقبال لاهوری: وجه شبهه «مبین سرشاری از محیط و وسعت تخیل» است (پورنامداریان، ۱۳۸۷: ۴۲) در واقع، وجه شبهه در تشبیه، ارتباط بین مشبه و مشبه‌به است که شاعر با روح کنجکاو و نکته‌یاب خود به تشبیهاتش می‌بخشد. جذائیت تشبیه از طریق یافتن شباهتهایی است که شاعر در تقابل عناصر طبیعی، جانداران، اشیاء و عناصر انتزاعی و... کشف می‌کند. با تحلیل و واکاوی تشبیهات اقبال در مثنوی اسرار خودی و نیز آمارهایی که از این طریق بدست می‌آید، در می‌یابیم که از مجموع ۲۵۲ ترکیب تشبیهی، در ۱۷۵ مورد از تشبیهات، رکن وجه شبهه حضور دارد فقط در ۷۷ مورد از تشبیهاتش وجه شبهه مشاهده نمی‌شود. یکی از دلایل ذکر وجه شبهه، تازگی و نوینی تشبیه است و شاعر به دلیل نو بودن مشبه‌به و دوری آن از مشبه، مجبور به آوردن وجه شبهه می‌شود. اقبال نیز با توجه به اینکه معانی و مضامین بدیع و نو را در تشبیهات خود آورده، مجبور شده است برای اینکه یافتن وجه شبهه برای خواننده دشوار به نظر نرسد، وجه شبهه را ذکر کند. بدین دلیل در اسرار خودی درصد تشبیهاتی که در آن وجه شبهه ذکر شده، زیاد است. «از آنجاکه تشبیهات نو است، معمولاً مفصل است، یعنی شاعر یا نویسنده وجه شبهه را - که غالباً تخیلی است - ذکر می‌کند تا نگرش او - که دو امر تازه را به هم مربوط ساخته است - فهمیده شود» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۳۷) نکته دیگر در بیان علت اینکه اقبال تشبیهات زیادی را با وجه شبهه بیان کرده است، امکان دارد چنین باشد که، معمولاً مشبه‌به صفات و

خصوصیاتی دارد که همه به یک میزان مشهور نیستند. وقتی نظر شاعر به خصوصیت مشهور وجه شبه باشد، دیگر لزومی به آوردن آن نیست، ولی اگر مراد شاعر یکی از خصوصیات دیگر باشد که چندان مشهور نیست و یا خصوصیتی است که ذهن شاعر پیدا کرده، در این صورت ناچار است وجه شبه را ذکر کند.

جداول و نمودارهای بسامدی انواع تشبیه در اسرارخودی اقبال

جدول شماره ۱- تقسیم تشبیه بر حسب مواد و عناصر بکاررفته:

مشبه به		مشبه		موضوع
درصد	بسامد	درصد	بسامد	
۸,۳۳	۲۱	۲۱,۸۲	۵۵	انسان و متعلقات وی
۵,۱۵	۱۳	۴۲,۴۶	۱۰۷	عناصر انتزاعی
۴۸,۸۰	۱۲۳	۱,۵۸	۴	عناصر طبیعی
۱۷,۰۶	۴۳	۹,۹۲	۲۵	اشیاء
۱۰,۳۱	۲۶	۸,۳۳	۲۱	حیوانات و جانوران
۹,۵۲	۲۴	۹,۹۲	۲۵	عناصر دینی
۰,۷۹	۲	۸,۷۳	۲۲	عناصر گفتار و نوشتار
۱۰۰	۲۵۲	۱۰۰	۲۵۲	مجموع

جدول شماره ۲، تقسیم تشبیه بر اساس حسی یا عقلی بودن طرفین:

عقلی		حسی		نوع تشبیه
درصد	بسامد	درصد	بسامد	
۳,۵۷	۹	۴۴,۸	۱۱۳	حسی
۵,۱۵	۱۲	۴۶,۴	۱۱۷	عقلی
۲۵۲				مجموع

جدول شماره ۳، بسامد انواع تشبیه از لحاظ فشرده‌گی و گسترده‌گی ساختار:

تشیبه فشرده	تشیبه گسترده			نوع تشبیه
	تشیبه مؤکد	تشیبه مجمل	تشیبه مفصل	
۹۴	۸۳	۱۶	۵۹	بسامد
۳۷,۳۰	۳۲,۹۳	۶,۳۴	۲۳,۴۱	درصد
۲۵۲				مجموع

جدول شماره ۴، بسامد انواع تشبیه از لحاظ مفرد، مقید و مرکب:

جدول شماره ۵، انواع تشبیه بر اساس شکل:

مرکب	مقید		مفرد		نوع تشبیه
	بسامه د	در صد	بسامد د	بسا مد	
۰	۰	۱۴ ۶۸.	۳۷	۶۵, ۴۷	مفرد
۰	۰	۵, ۱۵	۱۳	۱۰, ۳۱	مقید
۳,۵۷	۹	۰	۰	۰	مرکب
۲۵۲					مجموع

تفضیل	مض مر	مفروق	تسویه	جمع	نوع تشبیه
۱۰	۸	۱۴	۴	۱۲	بسامد
۳,۹۶	۳,۱ ۷	۵,۵۵	۱,۵۸	۴,۴۶	درصد
۴۸					مجموع

نتیجه

نتایج حاصل از این جستار را می‌توان چنین برشمرد: ۱- از نظر مواد و عناصر بکار رفته، عناصر طبیعی با ۴۸,۸۰ درصد، در رکن مشبه‌به، و معنویات و مفاهیم مجرد، انتزاعی و ذهنی با ۴۴,۴۷ درصد، در رکن مشبه، از بیشترین بسامد آماری برخوردارند. بر این اساس، تجزیه و تحلیل عناصر و مواد بکار رفته در تشبیهات اسرارخودی اقبال، معرف و ویژگی‌های خاص زبان و سبک تعلیمی وی در این اثر است. ۲- از جهت انواع تشبیه به اعتبار حسی یا عقلی بودن طرفین تشبیه، چهار نوع قابل تشخیص است که برحسب بسامد کاربرد عبارتند از: معقول به محسوس، محسوس به محسوس، معقول به معقول، محسوس به معقول. از آنجا که قصد اقبال، تفهیم مفاهیم متعالی و انسان‌ساز، به طیف عظیمی از مخاطبان بوده، لذا بیشترین توجه او به کاربرد تشبیه معقول به محسوس است. ۳- از جهت فشردگی یا گسترده بودن ساختار تشبیه، اضافه‌ی تشبیه‌ی تشبیه‌ی تشبیه فشرده و هر تشبیه‌ی غیر از این ساختار، تشبیه گسترده نام گرفت. در این دسته از تشبیهات اقبال، همیشه ادات محذوف است و به جهت حذف وجه شبه و ادات تشبیه از تشبیه گسترده، بلیغ‌تر و جنبه‌ی تأکید در آن افزون‌تر است. وجه شبه در تشبیهات اسرار خودی اقبال، قاعده‌ی ثابتی ندارد و گاه در تشبیهات فشرده هم وجه شبه ذکر می‌گردد. تشبیه گسترده، همان گونه که در جدول شماره ۳ (۳) نشان داده شده است به سه گروه مرسل مفصل، مجمل و مؤکد تقسیم شده است. ۴- از جهت افراد و ترکیب طرفین تشبیه، همانگونه که در جدول شماره ۴ (۴) نشان داده شده است، پرکاربردترین نوع تشبیه، تشبیه مفرد به مفرد است که ۶۵,۴۷ درصد از تشبیهات را شامل شده است و می‌توان گفت که تشبیهات مرکب از کمترین بسامد کاربرد برخوردارند. ۵- در مورد شکل باید اذعان داشت، علی‌رغم اینکه نمونه‌هایی از تشبیهات تسویه، جمع، مفروق، مضمهر و تفضیل در اسرارخودی اقبال دیده می‌شود؛ اما اینگونه تشبیهات بسامد چندانی ندارند و اقبال کمتر به استفاده از چنین ساختارهایی توجه داشته است. ۶- از جهت وجه شبه نیز، از مجموع ۲۵۲ ترکیب تشبیهی، در ۱۷۵ مورد از تشبیهات، رکن وجه شبه حضور دارد فقط در ۷۷ مورد از تشبیهاتش وجه شبه مشاهده نمی‌شود.

منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- آلن، گرهام، بینامتنیت، ترجمه ی پیام یزدانخواه، تهران: مرکز، ۱۳۸۰.
- ۳- ابن الأثیر، ضیاءالدين، المثل السائر، مصر: مكتب النهضه، ۱۹۶۲م.
- ۴- اقبال لاهوری، محمد، کلیات اقبال لاهوری، بامقدمه دکترعلی شریعتی و جاوید اقبال، تهران: الهام، ۱۳۹۰.
- ۵- پورنامداریان، تقی، سفردر مه، تهران: نگاه، ۱۳۸۱.
- ۶- _____، رمزوداستان های رمزی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵.
- ۷- تاج الحلاوی، علی بن محمد، دقایق الشعر، تصحیح سیدمحمدکاظم امام، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
- ۸- تفتازانی، سعدالدين، شرح المختصر، حواشی عبدالمتعال الصعیدی، مصر: المكتبه المحمودیه، ۱۳۵۶.
- ۹- ثروتیان، بهروز، بیان در شعر پارسی، تهران: انتشارات برگ، ۱۳۶۹.
- ۱۰- جرجانی، عبدالقاهر، اسرارالبلاغه، ترجمه ی جلیل تجلیل، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۱.
- ۱۱- رجایی، محمدخلیل، معالم البلاغه، انتشارات دانشگاه شیراز، ۱۳۷۲.
- ۱۲- رادویانی، محمدین عمر، ترجمان البلاغه، تحقیق ازاحمدآتش، تهران: اساطیر، ۱۳۶۲.
- ۱۳- رازی، شمس الدین محمد، المعجم، تصحیح سیروس شمیسا، تهران: فردوس، ۱۳۷۳.
- ۱۴- زکی صباغ، محمدع، البلاغه الشعریه، بیروت: المكتبهالعصریه، ۱۹۹۸م.

- ۱۵- زرین کوب، عبدالحسین، باکاروان اندیشه، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۷.
- ۱۶- شمیسا، سیروس، بیان، تهران: فردوس، ۱۳۷۳.
- ۱۷- شفیعی کدکنی، محمدرضا، صورخیال در شعرفارسی، تهران: آگاه، ۱۳۷۲.
- ۱۸- _____، موسیقی شعر، تهران: آگاه، ۱۳۶۸.
- ۱۹- صفوی، کورش، از زبان شناسی به ادبیات، ج ۱ و ۲ نظم، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنراسلامی، ۱۳۸۰.
- ۲۰- صفا، ذبیح الله، آیین سخن، تهران: فردوسی، ۱۳۶۳.
- ۲۱- عسکری، ابوهلال حسن بن عبدالله، معیارالبلاغه، ترجمه ی محمدمجوادنصیری، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
- ۲۲- فاطمی، سیدحسین، تصویرگری در غزلیات شمس، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴.
- ۲۳- فاضلی، محمد، درسه و نقدفی مسائل بلاغه هامة، مشهد: فردوس، ۱۳۷۶.
- ۲۴- فخری اصفهانی، شمس الدین، معیارجمالی، تصحیح یحیی کاردگر، تهران: مرکزاسناد مجلس، ۱۳۸۹.
- ۲۵- قدامه بن جعفر، ابی فرح، نقدالشعر، تحقیق عبدالمنعم خفاجی، بیروت، دارالکتب العلمیه، (بی تا).
- ۲۶- قیروانی، ابن رشیق، العمده، مصر: مطبعه شارع المناخ، ۱۹۲۵م.
- ۲۷- کروچه، بندتو، کلیات زیبایی شناسی، ترجمه ی فؤاد رحمانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشرکتاب، ۱۳۴۴.
- ۲۸- کزازی، جلالالدین، زیبایی شناسی سخن پارسی (۱) بیان، تهران: نشرمرکز، ۱۳۷۵.

- ۲۹- محبتی، مهدی، صدای رویش خیال، تهران: زهد، ۱۳۷۹.
- ۳۰- میرصادقی، میمنت، واژه نامه ی هنرشاعری، تهران: مهناز، ۱۳۷۳.
- ۳۱- وطواط، رشیدالدین محمدبن محمد، حدائق السحر، تصحیح عباس اقبال، تهران: سنایی، ۱۳۶۲.
- ۳۲- همایی، جلال‌الدین، معانی و بیان، تهران: مؤسسه نشرهما، ۱۳۷۳.
- ۳۳- _____، فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران: اهورا، ۱۳۸۹.

